

چرا لحن آل سعود نسبت به ایران تغییر کرد؟

تغییر رویکرد سعودی را باید فارغ از کلیشه‌های رایج و بر پایه «محاسبه سود و هزینه» تحلیل کرد و نباید آن را تنها و فقط معلول تغییر ادعایی رویکرد دولت بایدن در قبال ایران و برجام دانست.

به گزارش خبرنگاران گروه جامعه گزارش خبر، اخیراً اخباری از سوی برخی رسانه‌ها به نقل از منابع عراقی در مورد گفتگوهای ایران و سعودی در بغداد منتشر شد که به نظر می‌رسد دولت الکاظمی دنبال بهره‌برداری سیاسی از آن و ایجاد جایگاهی ویژه برای خود در این خصوص بود. با این وجود؛ هر چند تهران و ریاض هر دو این اخبار را تکذیب کردند اما تواتر این خبر می‌تواند ظن وجود نوعی از گفتگوها را تقویت کند. به ویژه اینکه اخیراً شاهد تغییر لحن مقامات سعودی درباره ایران بوده‌ایم، چنانچه ولیعهد سعودی در یک مصاحبه تلویزیونی خواستار غلبه دو کشور بر اختلافاتی شد که منطقه را دچار انشقاق کرده و گفت: «ما نمی‌خواهیم شرایط ایران دشوار باشد». البته ایران طی سال‌های گذشته با این منطق که رقابت کشورها نباید مانع همکاری آنها باشد، مستمراً تمایل خود را برای گفتگو با رژیم سعودی برای رفع سوء تفاهم‌های موجود اعلام کرده بود اما آنها تمایلی به این اقدام نشان نمی‌دادند، حال اما ظاهراً این اتفاق در حال وقوع است. نکته آنکه؛ ضمن لزوم تفکیک میان «تغییر لحن و تاکتیک» با «تغییر راهبرد» از سوی دربار آل سعود، دقت نظر در تحولات یک دهه گذشته و آنچه موجب این تغییر لحن شده، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است، چه، ممکن است جریان رسانه‌ای معاند با تحریف واقعیت، روایتی وارونه را به افکار عمومی القا کند.

در این رابطه «گریگوری گاوس» رئیس بخش امور بین‌الملل دانشگاه ای.اند.ام تگزاس می‌گوید: «عربستان در یمن پیروز نشد، در سوریه برنده نشد، در لبنان پیروز نشد. سیاست تقابلی با ایران واقعا موفق نبوده و شکست این سیاست مقابله‌ای احتمالاً منجر به تجدیدنظر در مواضع ریاض شده است.» به نظر می‌رسد؛ تغییر رویکرد سعودی را باید فارغ از کلیشه‌های رایج و بر پایه «محاسبه سود و هزینه» تحلیل کرد و نباید آن را تنها و فقط معلول تغییر ادعایی رویکرد دولت بایدن در قبال ایران و برجام دانست، زیرا ریاض در اوج مذاکرات برجام در دولت اوباما نیز به صورت علنی و غیر علنی تلاش زیادی برای جلوگیری از توافق می‌کرد و حتی بعد از برجام نیز حاضر به تغییر این رویکرد نشد.

نکته مهم این است که سعودی در اوج فشارهای تحریمی علیه ایران در دوران ترامپ و حمایت کامل آمریکا از این کشور، با وجود هزینه‌های سنگین مالی و اعتباری نتوانست توفیقی در راهبردهای تهاجمی خود در منطقه و در پرونده‌هایی که با ایران اختلاف نظر داشت کسب کند، بنابراین حمایت یا عدم حمایت آمریکا نمی‌تواند دلیل اصلی تغییر رویکرد آنها در مقطع اخیر باشد.

مسیر تغییر نگاه سعودی نسبت به رفع اختلاف نظرها با ایران از زمان دولت «عادل عبدالمهدی» و با تلاش مستمر او آغاز شده بود، یعنی زمانی که ترامپ هنوز رئیس‌جمهور آمریکا بود و حتی به قدری احساس قدرت می‌کرد که دست به جنابیتی بی‌سابقه علیه سردار شهید سلیمانی و ابومهدی المهندس و جمع دیگری از فرماندهان مقاومت زد.

به طور قطع این تناقض نقطه اصلی ابطال فرضیه تغییر رویکرد سعودی بخاطر ترس از عدم پشتیبانی واشنگتن از این کشور در دولت جدید آمریکاست و گرچه به طور طبیعی تغییر رویکرد منطقه‌ای آمریکا می‌تواند به عنوان یکی از مولفه‌های تصمیم‌ساز بر سیاست‌های جدید سعودی مورد توجه قرار بگیرد اما قطعاً نقطه کانونی چرخش جدید آنها نیست.

باید به این نکته توجه داشت که سیاست خارجی عرصه حفاظت از امنیت ملی و پیشینه‌سازی منافع است و مطلق‌انگاری در آن در شرایطی که روند سریع تحولات شرایط جدیدی را به وجود می‌آورد اقدامی غیرعقلانه و ضد منافع است.

بر اساس آنچه گفته شد؛ باید بر این مسئله صحنه گذاشت که تعامل دو کشور طبعاً به نفع منطقه و جهان اسلام است و باید ادامه پیدا کند و از همین روست که نویسندگان و رسانه‌های آمریکایی - صهیونیستی مانند «فارین افرز» و «هاآرتس» در مقالات مفصلی با تحریک سعودی‌ها به دنبال بر هم زدن شرایط جدید هستند.